

بسم الله الرحمن الرحيم

نشست فرهنگی مذهبی به مناسبت هفته وحدت

پیامبر رحمت، منادی وحدت

معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه بیرجند با همکاری مدیریت برنامه، بودجه و تشکیلات

با سخنرانی:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد هادی شهاب (عضو هیئت علمی دانشگاه)

دکتر محمد علی طاهری (عضو هیئت علمی بازنشسته دانشگاه)

زمان: ساعت ۱۹ - چهارشنبه ۲۸ مهر ماه ۱۴۰۰

لینک ورود به جلسه

<http://ac5.birjand.ac.ir/farhangimeeting>

گزارش تفصیلی:

آقای حمیدزاده با تبریک، تشکر، خیرمقدم و دعوت از دکتر خامسان جهت صحبت، با قرائت اشعار زیبا جلسه را آغاز کردند.

مهر دل ما مدام تقدیم شما * عمری که شود به کام تقدیم شما

پیدا نشد آن هدیه که درشان شماست * یک سبد گل سلام تقدیم شما

صحبت ریاست محترم دانشگاه بیرجند، جناب آقای دکتر خامسان:

ضمن سپاس و تشکر از مجموعه معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه، میلاد حضرت رسول (ص) و امام جعفر صادق (ع) را تبریک می گویم و خوشحالم از اینکه به این جلسه ارزشمند دعوت شدم و بسیار بسیار خوشحالم که امشب دو سرور عزیز و ارجمند آقایان دکتر شهاب و آقای دکتر طاهری در این نشست حضور دارند و سخنرانی خواهند داشت.

از خدا طلب می کنیم هدف اصلی حضرت رسول (ص) که تکمیل اخلاقیات بود هدف ما هم باشد و در زندگی مادی و معنوی یا علمی و دنیایی بتوانیم به این هدف برسیم و تلاش کنیم جامعه ای با اهداف بلند اسلامی داشته باشیم.

صحبت جناب آقای دکتر شهاب:

بسم الله الرحمن الرحيم با سلام خدمت سرواران گرامی امیدوارم در این نشست کلماتی که بر زبان ما جاری می شود مرضی خداوند باشد. میلاد حضرت رسول (ص) و امام صادق (ع) را به همه حضار در این نشست تبریک می گویم.

بحث حول مسئله وحدت است نگاهی که می توانیم داشته باشیم دو وجه دارد:

۱- تلاش می کنیم همگون سازی ماهیتی و هویتی در میان مذاهب مختلف و فرقه های متنوع ایجاد کنیم که به نظر می آید تلاش مطلوبی نیست. در عالم هستی با یک کثرتی روبرو هستیم و در عالم مذاهب هم همین گونه است و در هستی هم همینطور. آن وجود واحد وقتی نازل شد و تجلی کرد در عالم هستی متکثر و متعدد و متنوع شد. با انسان و اقوام و ادیان و مذاهب و سلیقه های مختلف در عالم روبرو هستیم و همه موضوعات مختلف یک وجود الهی دارد که در عالم تجلی یافته است. اگر کسانی تلاش کنند این هویت خود را از دست دهند و همگون شوند از نظر ماهوی تلاش موفقیتی نیست.

۲- تلاش می کنیم که حقیقتی را که پشت این چهره های متکثر وجود دارد بیابیم و این تلاش موفق و راه سلوک ما انسان ها است.

آنچه خدا هم گفته که انا لله و انا الیه راجعون یعنی همه از او هستیم و به او برمی گردیم یعنی باید به حقیقت یگانه هستی توحید توجه کنیم و از غفلت و دچار شدن به تعصب های قومی رها شویم. این تفاوت ها برای این نیست که در مقابل هم قرار گیریم و ستیزه گری کنیم بلکه این پوسته ها و این قشرها کارکرد های دیگری دارد. راه سلوک رسیدن به حقیقت از همین مسیر است که بگذریم از این لایه های تفاوت و غفلت و تعصب و هدف اصلی که توحید و یگانگی است را بیابیم.

تعصب و غفلت و ستیزه گری و در مقابل هم ایستادن ما را دچار تشتت وجودی در درون خودمان می کند و صلح درونی را می گیرد و در ادامه صلح بیرونی نیز از بین می رود.

پیامبر (ص) منادی وحدت بودند و ایشان پیامبر رحمت بودند اما چه اتفاقی می افتد که پیروان ایشان دچار قومیت و تعصب و ستیزه گری می شویم؟

پاسخ این که در جوامع بشری به جای محور قرار دادن فردیت برای مسیر سلوک، از تأکید بر تبعیت و تقلید استفاده می شود. و فردیت به نوعی مورد بی توجهی قرار می گیرد در حالی که در حقیقت فردیت باید در مسیر سلوک باشد همانطور که مسیر سلوک بشر به فردیت رفتن است.

در آیات قرآن آمده است که مسیر را که انسان طی می کند به سوی خداوند مسیر فردی است. آیه ۹۴ سوره انعام می فرماید:

وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَى مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءُ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ؛

و محققا شما یکایک (برای حساب) به سوی ما باز آید آن گونه که اول بار شما را بیافریدیم و آنچه را که (از مال و جاه) به شما داده بودیم همه را پشت سر افکنید و آن شفیعان را که به خیال باطل به نفع خود می پنداشتید همه نابود شوند همانا میان شما و آنان جدایی افتد و آنچه (شفیع خود) می پنداشتید از دست شما برود.

این تعصب ها یک نوع هویت هایی است که در دنیا پیدا می کنیم اما مسیر سلوک ما پیدا کردن حقیقت پشت آن هویت هاست و آن خداست و آن اصل الهیت است و آن رسیدن به توحید و یگانگی است. هویت ها شعار است و کارکرد و اثر ندارد و تا زمانی که گمان کنیم با این شعارها می توان کاری کرد، از مقصد باز مانده و کاری صورت نخواهد گرفت در صورتی که اگر بر توحید و اساس آن تأکید کنیم، خدای تعالی روح نهفته شده در آن است و عامل وحدت و اتحاد و یگانگی است. اما تأکید بر جنبه های هویتی باعث می شود دچار پدیده هایی مثل اسلام هراسی شویم و در میان مسلمانان متعصب یک جور غرب ستیزی پیدا شود. مدارس خاصی که آن هویت های مذهبی را می خواهند احیا کنند مثل مدارسی که طالبان در پاکستان دایر کرده که تأکید بر تعریف سلبی دارند و اغراض آنها معنوی و اخلاقی نیست.

اگر به اهداف معنوی و اخلاقی که مغز دین است توجه بدهیم وارد شاهراه توحید می شویم و بسیاری از قفل ها باز می شود. این که انسان در عالم هستی فقط خدا را ببیند و بر آن یگانه تأکید و تکیه کند بسیار اهمیت دارد. اشعار مولوی بیانگر این موضوعات می باشد. هر فردی از دید خود خدا می خواند و ارتباط با خداوند بر پایه فردیت است.

دید موسی یک شبانی را برا * کو همی گفت ای گزیننده اله
تو کجایی تا شوم من چاکرت * چارقت دوزم کنم شانه سرت..
گفت موسی های بس مدبر شدی * خود مسلمان نشده کافر شدی

این چه ژاژست این چه کفرست و فشار * پنبه‌ای اندر دهان خود فشار
 گند کفر تو جهان را گنده کرد * کفر تو دیبای دین را ژنده کرد
 چارق و پاتابه لایق مر تراست * آفتابی را چنینها کی رواست
 گر نبندی زین سخن تو حلق را * آتشی آید بسوزد خلق را
 آتشی گر نامدست این دود چیست * جان سیه گشته روان مردود چیست
 گر همی دانی که یزدان داورست * ژاژ و گستاخی ترا چون باورست
 دوستی بی‌خرد خود دشمنیست * حق تعالی زین چنین خدمت غنیست
 با کی می‌گویی تو این با عم و خال * جسم و حاجت در صفات ذوالجلال
 شیر او نوشد که در نشو و نماست * چارق او پوشد که او محتاج پاست
 ور برای بنده‌شست این گفت تو * آنک حق گفت او منست و من خود او
 آنک گفت انی مرضت لم تعد * من شدم رنجور او تنها نشد
 آنک بی‌یسمع و بی‌بصر شده‌ست * در حق آن بنده این هم بیهده‌ست
 بی‌ادب گفتن سخن با خاص حق * دل بمیراند سیه دارد ورق
 گر تو مردی را بخوانی فاطمه * گرچه یک جنس‌اند مرد و زن همه
 قصد خون تو کند تا ممکنست * گرچه خوش‌خو و حلیم و ساکنست
 فاطمه مدحست در حق زنان * مرد را گویی بود زخم سنان
 دست و پا در حق ما استایش است * در حق پاکی حق آرایش است
 لم یلد لم یولد او را لایق است * والد و مولود را او خالق است
 هرچه جسم آمد ولادت وصف اوست * هرچه مولودست او زین سوی جوست
 زانک از کون و فساد است و مهین * حادثست و محدثی خواهد یقین
 گفت ای موسی دهانم دوختی * وز پشیمانی تو جانم سوختی
 جامه را بدرید و آهی کرد تفت * سر نهاد اندر بیابانی و رفت

همچنین مولوی به خوبی بیان می‌کند که خداوند چه می‌خواهد و آنچه در نظر او پذیرفته شده است عشق
 ورزیدن بنده به خالق است و نیت خالصانه داشتن در پرستش پروردگار و این که با چه شیوه ای این عشق
 ادا شود می‌تواند مختلف و متکثر باشد چون اصل خلقت خدا در مورد انسان‌ها و مخلوقات تنوع دارد پس
 هر موجودی با شیوه و روش خود خدا را خواهد خواند.

وحی آمد سوی موسی از خدا * بندهٔ ما را ز ما کردی جدا

تو برای وصل کردن آمدی * یا برای فصل کردن آمدی
 تا توانی پا منه اندر فراق * ابغض الاشياء عندی الطلاق
 هر کسی را سیرتی بنهاده‌ام * هر کسی را اصطلاحی داده‌ام
 در حق او مدح و در حق تو ذم * در حق او شاهد و در حق تو سم
 ما بری از پاک و ناپاکی همه * از گرانجانی و چالاکی همه
 من نکردم امر تا سودی کنم * بلک تا بر بندگان جودی کنم
 هندوان را اصطلاح هند مدح * سندیان را اصطلاح سند مدح
 من نکردم پاک از تسبیحشان * پاک هم ایشان شوند و درفشان
 ما زبان را ننگریم و قال را * ما روان را بنگریم و حال را
 ناظر قلبیم اگر خاشع بود * گرچه گفت لفظ ناخاضع رود
 زانک دل جوهر بود گفتن عرض * پس طفیل آمد عرض جوهر غرض
 چند ازین الفاظ و اضمار و مجاز * سوز خواهم سوز با آن سوز ساز
 آتشی از عشق در جان بر فروز * سر بسر فکر و عبارت را بسوز
 موسیا آداب دانان دیگرند * سوخته جان و روانان دیگرند
 عاشقان را هر نفس سوزیدنیست * بر ده ویران خراج و عشر نیست
 گر خطا گوید ورا خاطی مگو * گر بود پر خون شهید او را مشو
 خون شهیدان را ز آب اولیترست * این خطا را صد صواب اولیترست
 در درون کعبه رسم قبله نیست * چه غم از غواص را پاچیله نیست
 تو ز سرمستان قلاووزی مجو * جامه چاکان را چه فرمایی رفو
 ملت عشق از همه دینها جداست * عاشقان را ملت و مذهب خداست
 لعل را گر مهر نبود باک نیست * عشق در دریای غم غمناک نیست

آیه ۸۴ سوره اسراء می فرماید:

قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِرَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا؛

انجام خواهد داد، و خدای شما به آن که راهیافته‌تر است (از همه کس) آگاهتر است. در وجود هر کس یک شیوه ها و قالب هایی قرار داده شد که در کنار آن قومیت ها و تفاوت ها به رسمیت شناخته شده است.

آیه ۲۲ سوره روم می فرماید:

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاختلافُ اَلْسِنَتِكُمْ وَاَلْوَانِكُمْ اِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ؛ و از آیات او آفرینش آسمانها و زمین و گوناگونی رنگ پوست و اختلاف زبانهای شماست همانا در این امر نشانه هایی برای دانایان وجود دارد.

استعدادها و شرایط انسان ها با هم متفاوت است. (در حق او مدح و در حق تو ذم * در حق او شهد و در حق تو سم) ممکن است در دید تو ای موسی یک ذم باشد اما در دید بنده ها مدح باشد. زبان دل او این است و همین های و هوی با خدا سخن می گوید.

و در بیت ما بری از پاک و ناپاکی همه * از گرانجانی و چالاکي همه اشاره دارد که خدا را در مرحله تعصبات و تکثرات محدود نکنیم. خدا ورای از این دیدها و فهم هاست. گرچه دیدگاه ها تنوع و تکثر دارد و مختلف است اما خدا یکی است و اصل و جوهره، برای طلب توحید است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ اِلَى صُورَتِكُمْ وَ اَعْمَالِكُمْ وَ اِنَّمَا يَنْظُرُ اِلَى قُلُوبِكُمْ وَ نِيَّاتِكُمْ ؛ و فرمود رسول خدا(صلی الله علیه و آله) که بدرستی که خدای تعالی نظر نمی کند بصورتها و عملهای شما بلکه نظر می کند به دلها و نیت های شما

و بیت: ناظر قلبیم اگر خاشع بود * گرچه گفت لفظ ناخاضع رود بیان می دارد که اگر در شاهراه اصلی باشیم و در مسیر توحید باشیم همیشه سوز خواهیم داشت و در دل عاشق معنایی وجود دارد که در بیرون از آن یافت نمی شود و این عشق کاملا با تواضع و خشوع درونی همراه است و متناسب با ساختار فطرت است و باعث یک تحول دورنی است که نه ستیزه ای در بیرون خواهد داشت و نه ناآرامی در درون. تفاوت هایی که در تعبیر و اصطلاحات است نباید ما را دور کند از تفاهمی که می تواند صورت گیرد. مثال دیگر مولانا برای چهار مردی بود که یک درهم به دست آورده بودند و قصد به دست آوردن مطلوب خود را داشتند گرچه همه یک خواسته داشتند اما اختلاف در گفتارشان بود و جهل موجود از معانی، ستیزه گری در میانشان به وجود آورده بود، اگر کسی که معنادان بود حضور می داشت و مطلع می کرد آنها را از حقیقت، که قصد همه شما یک چیز است و اختلاف در گفتار است، ستیزه ها و در مقابل هم قرار گرفتن ها، از بین می رفت.

چار کس را داد مردی یک درم * آن یکی گفت این بانگوری دهم
آن یکی دیگر عرب بد گفت لا * من عنب خواهم نه انگور ای دغا
آن یکی ترکی بد و گفت این بنم * من نمی خواهم عنب خواهم ازم
آن یکی رومی بگفت این قیل را * ترک کن خواهیم استافیل را
در تنازع آن نفر جنگی شدند * که ز سرّ نام ها غافل بدند

مشت بر هم می‌زدند از ابلهی * پر بدند از جهل و از دانش تهی
 صاحب سری عزیزی صد زبان * گر بدی آنجا بدادی صلحشان
 پس بگفتی او که من زین یک درم * آرزوی جمله‌تان را می‌دهم
 چونک بسپارید دل را بی دغل * این درمتان می‌کند چندین عمل
 یک درمتان می‌شود چار المراد * چار دشمن می‌شود یک ز اتحاد
 گفت هر یکتان دهد جنگ و فراق * گفت من آرد شما را اتفاق
 پس شما خاموش باشید انصتوا * تا زبانتان من شوم در گفت و گو
 گر سختتان می‌نماید یک نمط * در اثر مایه نزاعست و سخط
 گرمی عاریتی ندهد اثر * گرمی خاصیتی دارد هنر
 سرکه را گر گرم کردی ز آتش آن * چون خوری سردی فزاید بی گمان..
 مشفقان گردند همچون والده * مسلمون را گفت نفس واحده
 نفس واحد از رسول حق شدند * ورنه هر یک دشمن مطلق بدند
 آگاهی می‌تواند اختلاف‌ها را کنار بزند و صلح و یکدلی به وجود آورد و در سایه صلح، حقیقت اصلی
 نمایان گردد. این گشتن به دنبال حقیقت است که باید انسان را مشغول کند نه اختلاف با دیگران؛ و جستجوی
 حقیقت در سایه جهل ممکن نیست پس همواره باید در پی آگاهی بود.
 ساقیا آن باده وحدت بیار * تا برد از چهره دل این خُمار
 عشق وحدت ار دمی آید به کار * می‌کشاند مر تو را تا کوی یار
 بشنوی آندم تو با صوت حسن * بی محابا بانگ الملک لمن
 ار چه مولی گفته در أم الکتاب * در قیامت باشد این بانگ آن جناب
 لیک مطلب‌ها بسی باشد دقیق * گویمت شرح ار بخواهی ای رفیق
 سر بر آور از عوالم تا به هو * تای تعبیر است و ضیق گفتگو
 لب ببند از گفتگو و کُن طواف * سیر فی الله را ترا باشد مطاف
 رد آنچه مر ترا بسپرده دوست * هرچه هست و نیست ملک و مال اوست
 گوش کثرت ار رها بنموده ای * بی محابا بانگ حق بشنیده ای
 لیک وا گو با منت آن گوش کو * وه چه ها بنموده کثرت مو به مو
 علامه طباطبایی سفارش کردند که کتاب "نور وحدت" را بخوانیم. از مضامین کتاب این است که فکر
 وحدت یعنی مراقبه و توجه به حق. خیلی مهم است که فکر خدای واحد در ذهن باشد و اعمال شرعیه بدون
 آن منتج نیست. اگر کسی عمری شرعیات را انجام دهد و توجه به واحد و وحدت نداشته باشد نتیجه‌ای
 نمی‌دهد، یعنی عمل باید وحدت را در ما تجلی دهد.

صحبت جناب آقای دکتر محمد علی طاهری:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ بِهِ نَسْتَعِينُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ بِهِ نَسْتَعِينُ إِنَّهُ خَيْرُ نَاصِرٍ وَ مُعِينٍ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَيَّ أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ عَلَيَّ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ

حدود ۶، ۷ سال است بازنشسته شدم اما معتقدم هستم که در دانشگاه بیرجند وحدت اسلامی حاکم است و اصلا مشکلی از این بابت وجود ندارد و چه خوب است که یکی از کارکردهای دانشگاه این باشد که این وحدت را در جامعه هم بیاورد و در این مسیر تأثیر گزار باشد. در تمام دوران هایی که مربوط به روسای محترم دانشگاه بوده از جمله آقایان دکتر کریم پور، دکتر محتشمی، دکتر آقابراهیمی، دکتر میری و دکتر خامسان جز خوبی و بزرگواری ندیدم و هیئت علمی و کارمندان زیاد و گروه های اصلاح طلب و اصولی گرا همه را تجربه کرده ام و دوران تصدی مسئولیت های فراوانی (معاون اداری مالی، مسئول راه اندازی گروه حقوق و علوم سیاسی، عضو منتخب کمیته...، انتظامات، تخلفات و...) را با استقلال و بدور از خلل پشت سر نهاده ام. همه عزیزان را خوب می شناسم و داوری من این است که جز وحدت در عزیزان چیزی ندیدم و برای همه آرزوی توفیق دارم و امیدوارم این شرایط را دانشگاه بتواند به جامعه منتقل کند و از این نعمت جامعه بهره مند شوند.

در آیه ۱۰۷ سوره انبیاء، خداوند خطاب به پیامبر فرمود: **وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ**

پروردگار فرمودند مایه رحمت برای مسلمانان، مقصود جهانیان است. در ادیان دیگر چنین خطابی نداریم که این تعبیر جهانی را داشته باشد، در انجیل حضرت مسیح صرفا برای اصلاحات قوم بنی اسرائیل گمراه شده آمده بود و دیگر پیامبران هم برای جمعیت های خاص آمده بودند اما پیامبر (ص) جهان شمول است و سبب سعادت دو جهان مردم است چرا که برنامه او ناکامی و تباہکاری ها را پایان می دهند و منتهی به حکومت صالحان با ایمان خواهد شد و در نهایت به نعمت سرمدی آخرت خواهد رساند. برای مسلمان رحمت پروردگار معین است اما برای کفار از عذاب های دنیوی و فرورفتن در زمین نجات دهنده است کفار به خاطر بعثت از عذاب ایمن شدند.

حضرت فرمودند: من پیامبر خدایم که به سوی همه مردم جهان فرستاده شدم تا هر کس را که زنده است

هشدار دهم.

دانشمندان روی این اعلامیه و رسالت پیامبر باید بیش از این تدبر کنند، وقتی پیامبر برای همه جهانیان آمده است باید روزی برسد که همه پیرو دین او باشند تا مورد عفو الهی قرار گیرند.

آیه ۹۲ سوره انبیاء می فرماید: **إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ**

همانا این، امت شماست، امتی یگانه، و من پروردگار شما هستم، پس مرا پرستش کنید.

همه مسلمانان یک امت محسوب می شوند و خدا با ذکر سلسله پیامبران می گوید که همه امت واحد هستند و من پروردگارتان هستم پس مرا بپرستید. مجموعه بشر امت واحدند و خدا را می پرستند. هدف اصلی پیامبران ایجاد وحدت و مساوات است، پیامبر ندای وحدت سر داد که ندای انقلابی و دگرگون کننده زمان بود.

سوره مبارکه الحجرات آیه ۱۳

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ

خَبِيرٌ ﴿۱۳﴾

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛

(اینها ملاک امتیاز نیست)، گرمی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است!

پیامبر صلی الله علیه و آله **كُلُّكُمْ مِنْ آدَمَ و آدَمَ مِنْ تُرَابٍ و أَكْرَمُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛**

همه شما از نسل آدم هستید و آدم از خاک است و ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شما است.

این منشور برای دو اعلان است: ۱- وحدت ربوبی ۲- وحدت بشری

و این دو، پایه های وحدت جهانی هستند که رابطه اخوت بر دلیل یکی بودن پروردگار و پدرانشان است.

دعوت حضرت بر پایه مساوات فرازمایی دارد که از جمله تلاش عوامل شایسته می تواند در این مسیرها

باشد:

۱- برنامه ریزی فرهنگی در مسیر ترسیم امت واحد

۲- ایجاد فضای رشد فکری است

۳- به کار بستن راه حل که پیامبر به عنوان تحول عوامل اجتماعی انجام دادند.

یکی از مسائل وحدت انعقاد قراردادهای پیامبر بود، زمان ورود به مدینه، که یکی از مهمترین آنها، قرارداد

یثرب بود و بعضی ها معتقدند نخستین قانون اساسی جهان است و در ابتدای آن آمده که منشوری از طرف

محمد است و مسلمین امت واحد جدای از دیگر مردم هستند و به موجب آن همه مردم مدینه باید یک

واحد اجتماعی باشند با حقوق یکسان بدون انتصاب به فلان قبیله و فلان دین. کار دیگر پیوند اخوت و

برادری بین کلیه مسلمانان اعم از زن و مرد بود «المسلم اخ المسلم» کار دیگر نفی نژاد پرستی و قبیله گرایی بود.

۴- توجه به ظرفیت های روحی و اخلاقی مردم و این که از استعدادها به بهترین وجه استفاده شود. مهمترین وجه پامبر اخلاق ایشان بود که برخورد پرجاذبه و پر تأثیری داشتند که باعث تشکیل این اجتماعات می شد. اگر خشن و سنگدل بودند از پیرامون حضرت پراکنده می شدند نرمی دل از رحمت خداست و ایشان اسوه حسنه بودند همه مسلمانان با هر مذهبی باید پیامبر را الگو قرار دهند و مثل ایشان هم و غمی در برقراری وحدت در جامعه داشته باشند.

وحدت اسلامی عبارت است از هماهنگی و برقراری فضای اخوت و برادری در میان مسلمانان مذاهب مختلف اسلامی در سایر اشتراکات دینی و منظور این که پیروان همه مذاهب در عین پابندی به اصول مذهب خود، با سایر مسلمانان هم سو و تابع مصالح جاریه اسلام و امت اسلامی باشند چنان که پیامبر فرمودند: **إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ** و همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پناهنده خدا شوید و دو موضوع امر معروف و نهی منکر در کنار اتساع در اجتماع صورت گیرد یعنی همه مسلمانان تمسک جویند به قرآن و الله و علاوه بر تمسک به همراه هم باید باشند و حدت کلمه داشته باشند با اجتماع با هم، تمسک جویند.

یکی از راه های وحدت آشنایی با مفاهیم وحدت است. باید روحیه برادری را در مسلمانان تقویت کرد و توجه به نکات مشترک و پرهیز از بزرگنمایی تفاوت ها باشد.

محبت، توزیع یکسان، امر به معروف و صدور فتوای همگرا و ... از عوامل وحدت است.

مطهری به نقل از علامه کاشف الغطاء گفته: کلمه توحید و توحید کلمه

اسلام بر دو اصل است ۱- پرستش خدای یگانه ۲- اتفاق و اتحاد جامعه اسلامی

رهبر هم وحدت را بر همه ضرورت ها ترجیح دادند و سید احمد خمینی یکی از پیشرفت های وحدت را از نظر امام خمینی (قدس) پرهیز جدی از به میان آوردن پای عوام در اختلافات فکری و عقیدتی، که تنها از راه عقلانی و شرعی و علمی امکان پذیر است، می دانستند. یکی از پیش شرط های وحدت اسلامی، استقرار و دوام دین است که در سایه پرهیز جدی از به میان آمدن پای عوام در مسائل است.

سوره مبارکه الأنفال آیه ۴۶

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ ۖ وَاصْبِرُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٤٦﴾

و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است!
نزاع نکنید که فشل می شوید و ابهت شما از بین می رود چرا توجه نمی کنید کشورهای اسلامی ضعیف هستند نزاع های اینگونه باعث فشل شدن و رفتن ابهت آنان شده است. باید برگردیم و توجه کنیم و به عنوان ضرورت بدانند که مسئله وحدت بسیار مهم است.

گرچه بر ناید به جهد و زور تو * لیک مسجد را برآرد پور تو
کرده او کرده تست ای حکیم * مؤمنان را اتصالی دان قدیم
مؤمنان معدود لیک ایمان یکی * جسمشان معدود لیکن جان یکی
غیرفهم و جان که در گاو و خرس * آدمی را عقل و جانی دیگرست
باز غیرجان و عقل آدمی * هست جانی در ولی آن دمی
جان حیوانی ندارد اتحاد * تو مجو این اتحاد از روح باد
تفرقه در روح حیوانی بود * نفس واحد روح انسانی بود

روح ایمان در وجود آدم ها باعث همبستگی است و واقعا این ارتباط هست و جود دارد.
راهکارهای همگرایی مسلمانان با توجه به ظرفیت بالای قانون اساسی عبارتند از:

- ۱- گفتمان علمی میان عالمان و مجتهدان اهل فتوی
- ۲- تقویت و تأکید بر سرنوشت مشترک امت اسلامی
- ۳- دوری از خرافه ها که مذاهب اسلامی دارند
- ۴- آگاهی بخشیدن نسبت به امت و تهدیدهای امت اسلامی
- ۵- حفظ حرمت مقدسات مذاهب و فرق اسلامی
- ۶- توزیع عادلانه امکانات و ارزش ها (که در دانشگاه برقرار است)
- ۷- نظارت جدی بر عملکرد گروه های تندروی افراطی
- ۸- نظارت بر ساخت برنامه های صدا و سیما
- ۹- نظارت بر فعالیت نویسندگان و محصولات فرهنگی
- ۱۰- مراجعه به سنت پیامبر گرامی اسلام

در حفظ حرمت مقدسات باید گفت در اواخر سال گذشته یعنی بهمن ۱۳۹۹ مجلس قانونی تصویب کرد که به تأیید شورای نگهبان رسید ماده ای به قانون مجازات اسلامی اضافه شد و تغییرات ماده ۴۹۹ که الحاق شد به قانون ۱۳۷۵:

هرکس با قصد ایجاد خشونت در جامعه یا علم به وقوع آن به قومیت ایرانی یا ادیان اسلامی یا ... توهین نماید چنانچه مشمول حد نباشد و منجر به خشونت و تنش شده باشد به حبس و جزای نقدی درجه ۵ مبتلا می شود که از ۲ تا ۵ سال حبس است و در غیر این صورت که منتج به تنش نشده باشد به حبس و جزای نقدی درجه ۶ یعنی ۶ تا ۲ سال حبس محکوم خواهد بود.

در این دو مورد برای توهین ضمانت اجرایی کیفی در نظر گرفته شده است برای خیلی ها که در نظر نمی گیرند و رعایت نمی کنند.

نکته: ظرفیت های قانون اساسی جمهور اسلامی اصل ۱۱ قانون اساسی گفته همه مسلمانان از یک امت هستند و جمهوری اسلامی موظف است بر پایه اعتلاء و اتحاد باشد تا وحدت اقتصاد اسلامی را تحقق بخشد.

اصل ۲۰ در همین ارتباط همه مردم از هر طبقه و رنگ، اعم از زن و مرد در یک سطح هستند و از همه حقوق اسلامی و اجتماعی باید برخوردار شوند.

جلوه های وحدت در دانشگاه وجود دارد به امید این که وحدت اسلامی که مورد تأیید اولیای ملت است، در جامعه بر آن تأکید بیشتر شود.

پایان